

صبح امروز

چهارشنبه
۱۵
۵
۱۴۰۳واکنش‌های مثبت و منفی
به طرح جدید ظریف

۵



علی لاریجانی دبیر شورای عالی امنیت ملی شد؛

تغییرات ادامه دارد...

گزارش

چرا اتباع غیرمجاز زنده در فکر بازگشت اند؟

ندا خسروشاهی



به نظر می‌رسد اتباع خارجی غیرمجازی که حاضر به خوداظهاری و انجام فعالیت قانونی در کشور نیستند یا خود را از نظر پنهان می‌کنند، با اهداف و مقاصد دیگری در کشور مانده‌اند در حالی که اگر در صدد کار و فعالیت قانونی هستند، می‌توانند با خوداظهاری و گرفتن روادید کار در کشور به فعالیت ادامه دهند. به گزارش ایسنا، امروزه در تمام کشورها موضوع جذب و به کارگیری نیروی کار خارجی وجود دارد و کشور ما نیز از آن مستثنی نیست...

سفر پزشکیان به اسلام‌آباد چقدر مهم است

روابط ایران و پاکستان
برمدار تعمیق و گسترش

ارزیابی کرد؟ در پاسخ، می‌توان روابط ایران و پاکستان را در مقطع کنونی از سه منظر بررسی کرد. این سفر نشان می‌دهد که در چارچوب سیاست همسایگی، حسن همجواری و همچنین تداوم و گسترش روابط با همسایگان، به‌ویژه پس از پشتیبانی پاکستان از ایران در جریان تجاوز اخیر رژیم صهیونیستی و ایالات متحده، سفر به پاکستان در دستور کار قرار گرفته است.

ادامه در صفحه ۳

مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهوری اسلامی ایران، در روزهای تابستانی ۱۱ و ۱۲ مرداد، سفری رسمی به جمهوری اسلامی پاکستان انجام داد؛ همسایه شرقی که به «ایرانی‌ترین همسایه ایران» شهرت دارد. ایران و پاکستان هر دو در حدود دو ماه گذشته، دو جنگ را پشت سر گذاشته‌اند. اما پرسش این است که اهمیت این سفر رئیس‌جمهوری اسلامی ایران را چگونه می‌توان

گزارش

کوچک شدن اراضی، بهره‌وری کشاورزی را نابود کرده است؛

زنگ خطر پیری کشاورزان
برای امنیت غذایی ایران

بر اساس جدیدترین سرشماری عمومی کشاورزی که توسط مرکز آمار ایران در ۱۴۰۳ انجام شده است، تعداد کل بهره‌برداران شناسایی شده در کشور ۴۰۳۲۸۵۵۵۶ نفر اعلام شد. از این تعداد، ۴۰۲۹۲۵۷۷ نفر موفق به تکمیل پرسشنامه شدند و حدود ۳۶ هزار نفر (۰.۸۳ درصد) به دلایل مختلف فاقد اطلاعات تکمیلی بودند.

روابط ایران و پاکستان بر مدار تعمیق و گسترش

محمد مهدی خزاعی

مسعود پزشکیان، رئیس جمهوری اسلامی ایران، در روزهای تابستانی ۱۱ و ۱۲ مرداد، سفری رسمی به جمهوری اسلامی پاکستان انجام داد؛ همسایه شرقی که به «ایرانی ترین همسایه ایران» شهرت دارد. ایران و پاکستان هر دو در حدود دو ماه گذشته، دو جنگ را پشت سر گذاشته‌اند. اما پرسش این است که اهمیت این سفر رئیس جمهوری اسلامی ایران را چگونه می‌توان ارزیابی کرد؟ در پاسخ، می‌توان روابط ایران و پاکستان را در مقطع کنونی از سه منظر بررسی کرد.

از منظر روابط دوجانبه:

این سفر نشان می‌دهد که در چارچوب سیاست همسایگی، حسن همجواری و همچنین تداوم و گسترش روابط با همسایگان، به‌ویژه پس از پشتیبانی پاکستان از ایران در جریان تجاوز اخیر رژیم صهیونیستی و ایالات متحده، سفر به پاکستان در دستور کار سیاست خارجی رئیس جمهوری قرار گرفته است. همچنین بر اساس اعلام رسمی دولت، این سفر در پاسخ به سفر چندی پیش شهباز شریف، نخست‌وزیر پاکستان، انجام شده است. در واقع در فاصله یک سال پس از سفر شهید رئیسی به پاکستان در اردیبهشت ۱۴۰۳ و پس از دو سفر شهباز شریف به تهران در اردیبهشت ۱۴۰۳ و خرداد ۱۴۰۴، بار دیگر مقام ریاست جمهوری ایران سفری رسمی به پاکستان انجام داده است که گذشته از ملاقات‌های دوجانبه در سطح سران و وزرای امور خارجه که بیشتر در حاشیه اجلاس‌هایی مانند سازمان همکاری اسلامی یا سازمان همکاری اقتصادی (اگو) صورت می‌گرفت، افزایش رفت‌وآمدهای سطح



بالا میان دو کشور فی‌نفسه نشانه‌های از سطح بالای روابط محسوب می‌شود؛ به‌گونه‌ای که می‌توان روابط ایران و پاکستان را دست‌کم در سطح سیاسی «رو به جلو» ارزیابی کرد. یکی از وجوه متمایز این سفر نسبت به سفرهای پیشین رؤسای جمهوری ایران به پاکستان، تأکید ویژه بر روابط اقتصادی و تجاری بود. در میان دیدارهایی که برای پزشکیان در اسلام‌آباد تدارک دیده شده بود، نشست با تجار و فعالان اقتصادی پاکستان، هم از نظر تعداد مهمانان و هم سطح جلسه، قابل توجه بود. همچنین حضور وزرای «صنعت، معدن و تجارت» و «راه و شهرسازی» به همراه دیگر مقامات اقتصادی در هیأت ایرانی، در کنار وزرای امور خارجه و دفاع، نشان‌دهنده وزن بالای اقتصادی این سفر و تمایل تهران برای گسترش روابط عملگراییانه به‌ویژه در حوزه تجارت با اسلام‌آباد است. افزون بر این، اعلام هیأت‌های تجاری دو طرف درباره توافق برای ایجاد «منطقه آزاد مشترک» در مرز ریمدان و هدف‌گذاری برای رساندن سطح تجارت دوجانبه به ۱۰ میلیارد دلار، نشان از عزم دو کشور برای توسعه روابط اقتصادی دارد. نکته

اقتصادی و تجاری دربرداشته است.

از منظر روابط منطقه‌ای:

همان‌طور که پیش‌تر نیز اشاره شد، سفر رئیس جمهوری اسلامی ایران به پاکستان، در فاصله کوتاهی پس از تجاوز رژیم صهیونیستی و ایالات متحده به تمامیت ارضی ایران صورت گرفت. در جریان این تحولات، پاکستان از جمله حامیان جدی و صریح مواضع جمهوری اسلامی ایران در محکومیت این تجاوز و عاملان آن بود. اسلام‌آباد، چه در تماس‌های تلفنی مقامات عالی‌رتبه این کشور با رئیس‌جمهور و وزیر امور خارجه ایران، چه در سطح دولت، پارلمان ملی و پارلمان‌های ایالتی، و چه در نهادهای بین‌المللی مانند شورای امنیت سازمان ملل متحد، سازمان همکاری اسلامی، سازمان همکاری شانگهای و سازمان همکاری اقتصادی (اگو)، این اقدام را به‌صراحت محکوم کرده است. از سوی دیگر، پس از تبادل آتش میان هند و پاکستان در اردیبهشت‌ماه سال جاری، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در چارچوب یک دیپلماسی فعال و هوشمندانه، بلافاصله به اسلام‌آباد و سپس دهلی‌نو سفر کرد و ضمن ابراز همدردی با طرفین، آمادگی ایران را برای میانجی‌گری و کمک به برقراری آتش‌بس اعلام نمود.

افزون بر این، بر اساس اعلام رسانه‌های رسمی، دکتر پزشکیان در روزهای آینده سفری به افغانستان خواهد داشت. زمان‌بندی سفر رئیس‌جمهور به پاکستان پیش از سفر به افغانستان، می‌تواند نشانه‌ای از هماهنگی‌های منطقه‌ای و مشورت‌های بیشتر و فشرده‌تر با اسلام‌آباد درباره وضعیت افغانستان باشد. در مجموع، آن‌چه از این رویدادها و تحرکات دیپلماتیک برمی‌آید، وجود نگاه و درک

مشترک میان ایران و پاکستان نسبت به تحولات منطقه‌ای و همچنین ضرورت مشترک برای هماهنگی و رایزنی مستمر میان دو کشور است؛ ضرورتی که می‌تواند بستر گسترش همکاری‌های عمیق‌تر و هدفمندتر منطقه‌ای میان تهران و اسلام‌آباد را فراهم سازد.

از منظر روابط بین‌المللی:

در جریان این سفر رسمی، حضور کنونی پاکستان به‌عنوان عضو غیر دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد که در ماه ژوئیه نیز ریاست این شورا را برعهده داشته، دارای اهمیت بوده است. در واقع، پشتیبانی قاطعانه پاکستان از جمهوری اسلامی ایران در جریان تجاوز رژیم صهیونیستی و ایالات متحده، به‌ویژه در جلسات شورای امنیت، نقش مؤثری در تثبیت حقانیت موضع ایران و محکومیت این تجاوز در سطح بین‌المللی ایفا کرد. بر همین اساس، به نظر می‌رسد که موضوع نقش و جایگاه پاکستان در شورای امنیت، و نیز هماهنگی‌های دیپلماتیک با این کشور با هدف جلوگیری از شکل‌گیری اجماع در این شورا برای فعال‌سازی سازوکار موسوم به «مکانیزم ماشه» و بازگشت قطعنامه‌های تحریمی شورای امنیت علیه ایران که بر اساس قطعنامه ۲۲۳۱ لغو شده بودند، از محورهای مورد بحث در سطح دیپلماتیک و در گفت‌وگوهای میان سران دو کشور بوده باشد. و سرانجام آنکه، به نظر می‌رسد سفر رئیس‌جمهوری اسلامی ایران به پاکستان، دارای دستور کارهایی مشخص و هدفمند در سه سطح دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی بوده است؛ دستور کارهایی که با پیگیری مشترک دو کشور دوست و برادر، ایران و پاکستان، می‌تواند به تقویت و تعمیق همکاری‌ها و رایزنی‌های مستمر میان دو طرف منجر شود.

به رسمیت شناختن وضعیت جنگی

حقوق بین‌الملل؛ واژه‌های بی‌معنا در ویرانه‌های غزه و تهران؟

محمد مهدی سیدناصری

غزه، ایران، و مسئولیت‌های فراموش‌شده حقوق بین‌الملل

غزه یک سرزمین فلسطینی تحت اشغال دوفاکتو بوده و منازعه اسرائیل و ایران، از منظر حقوقی، بدون تردید «جنگ» محسوب می‌شود. شناسایی این وضعیت به‌عنوان جنگ، نه تنها یک برچسب حقوقی، بلکه یک ابزار حیاتی برای تضمین پاسخ‌گویی، حمایت از غیرنظامیان و مطالبه عدالت است.

«عملیات امنیتی» یا «دفاع مشروع»؟

پاسخ حقوق بین‌الملل: جنگ

اگرچه اسرائیل حملات نظامی خود را «عملیات امنیتی» می‌نامد و ایران، پاسخ‌های موشکی و پهپادی خود را به‌عنوان «دفاع مشروع» معرفی می‌کند، اما حقوق بین‌الملل بر واقعیات میدانی استوار است، نه بر بازی‌های زبانی سیاست‌مداران. کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ میلادی و پروتکل‌های الحاقی، به همراه تفسیر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، وضعیت مخاصمه مسلحانه را به‌وضوح تعریف می‌کنند: درگیری مسلحانه میان دولت‌ها یا میان یک دولت و گروه‌های مسلح سازمان‌یافته، به‌شرط تداوم خصومت و آسیب‌پذیری غیرنظامیان. زمانی که نیروهای مسلح درگیر نبرد می‌شوند، حقوق بشردوستانه بین‌المللی بر رفتار آنان حاکم است. اصول بنیادین این رژیم حقوقی - از جمله اصل تفکیک (Distinction)، تناسب (Proportionality) و ضرورت نظامی (Military Necessity) - تأکید می‌کنند که غیرنظامیان نباید به‌طور مستقیم هدف قرار گیرند و هر گونه حمله باید متناسب با هدف نظامی باشد.



غزه: اشغال مؤثر، محاصره و فروپاشی یک جامعه

اگرچه اسرائیل در سال ۲۰۰۵ میلادی از غزه عقب‌نشینی کرد، اما کنترل کامل مرزها، حریم هوایی و آب‌های ساحلی، به‌وضوح مصداق «اشغال مؤثر» (Effective Occupation) است. محاصره مستمر از سال ۲۰۰۷ میلادی تاکنون، جریان حیاتی غدا، دارو، سوخت و مصالح ساختمانی را مختل کرده، زیرساخت‌های مدنی را نابود ساخته و غزه را به یکی از بزرگ‌ترین بحران‌های بشری معاصر بدل کرده است. بیشترین آسیب، متوجه غیرنظامیان، به‌ویژه کودکان و زنان، بوده است. مدارس، بیمارستان‌ها، شبکه‌های آب و برق، و خانه‌های مسکونی، بارها ویران یا هدف حملات بی‌تفاوت قرار گرفته‌اند. بر اساس یافته‌های دیده‌بان حقوق بشر و عفو بین‌الملل، این اقدامات در بسیاری موارد مصداق مجازات

جمعیتی (Collective Punishment) محسوب می‌شود؛ رفتاری که به‌طور آشکار در حقوق بین‌الملل ممنوع است.

جمهوری اسلامی ایران، اسرائیل و عبور از مرزهای متعارف

حمله و تجاوز اسرائیل به تأسیسات نظامی و هسته‌ای ایران در ۱۸ ژوئن ۲۰۲۵ میلادی و پاسخ متقابل ایران با بیش از ۱۵۰ موشک و ۱۰۰ پهپاد، مرحله‌ای جدید و خطرناک در این منازعه رقم زد. اهداف ایران، شامل مناطق شهری و مراکز حیاتی، موجب تلفات غیرنظامیان و نابودی زیرساخت‌های کلیدی شد. اسرائیل، با هدف قرار دادن دانشمندان غیرنظامی ایرانی، اصل تفکیک را به‌طور آشکار نقض کرد. نگرانی عمده، احتمال عبور از آستانه هسته‌ای و انتشار مواد رادیواکتیو است. حمله به تأسیسات هسته‌ای، می‌تواند منجر به فاجعه‌ای زیست‌محیطی و انسانی با ابعاد جهانی شود،

همتایان فلسطینی خود، تحت تأثیر مستقیم خشونت، ترس و بی‌ثباتی قرار دارند و این نقض گسترده حقوق، مستوجب پاسخ‌گویی فوری در سطح بین‌المللی است.

چرا شناسایی وضعیت «جنگ» ضروری است؟

واژه‌ها در حقوق بین‌الملل قدرت‌آفرین هستند. برچسب «جنگ»، تعهدات حقوقی مشخصی ایجاد می‌کند:

- الزام به تفکیک میان غیرنظامیان و رزمندگان؛
- رعایت تناسب در حملات؛
- تضمین دسترسی ایمن و بدون مانع کمک‌های بشردوستانه؛
- پیگرد کیفری مرتکبان جنایات جنگی، به‌ویژه در دیوان کیفری بین‌المللی (ICC)؛
- تحکیم حاکمیت قانون و پیشگیری از تداوم چرخه خشونت.

نادیده‌گرفتن این وضعیت، منجر به تداوم بی‌کیفری (Impunity)، افزایش نقض‌ها و طولانی‌تر شدن رنج غیرنظامیان می‌شود.

مسئولیت‌های جمعی: از سکوت تا اقدام

جامعه‌ی جهانی و به‌ویژه قدرت‌های هسته‌ای، مسئولیتی خطیر دارند. اقدام هماهنگ و فوری، دیگر یک انتخاب نیست؛ بلکه ضرورت بقاست. عدم مهار این منازعه، احتمال بروز بحران جهانی زیست‌محیطی و انسانی را به‌شدت افزایش می‌دهد. شعار آتانورک (صلح در خانه، صلح در جهان) نباید تنها یک شعار باقی بماند. شناسایی وضعیت جنگ، گامی نخستین در جهت مهار فاجعه و پاسداری کرامت انسانی است. این اقدام، جانبداری سیاسی نیست، بلکه وفاداری به ارزش‌های بنیادین حقوق بین‌الملل و احترام به زندگی انسان‌ها، به‌ویژه کودکان، است.

واکنش‌های مثبت و منفی به طرح جدید ظریف

رسول سلیمی

طرح «مناره» (Middle East Nuclear Activities and Regional Arrangement) که توسط محمدجواد ظریف و محسن بهاروند، معاون پیشین وزیر امور خارجه و سفیر ایران در بریتانیا، پیشنهاد شده ابتکاری بلندپروازانه برای بازتعریف همکاری‌های هسته‌ای در خاورمیانه است. این طرح در مقاله‌ای در گاردین منتشر شده و پیشنهاد می‌دهد که یک مجمع منطقه‌ای تحت نظارت سازمان ملل متحد برای همکاری هسته‌ای غیرنظامی در خاورمیانه و شمال آفریقا ایجاد شود. هدف اصلی این مجمع، به اشتراک گذاشتن فناوری و مواد هسته‌ای، از جمله اورانیوم غنی‌شده، برای مقاصد صلح‌آمیز و تحت نظارت بین‌المللی است تا از این طریق، تهدید سلاح‌های هسته‌ای در منطقه کاهش یابد.

طرح مناره پیشنهاد می‌دهد که کشورهای منطقه، از جمله ایران، بتوانند برنامه‌های هسته‌ای غیرنظامی خود را توسعه دهند، اما این توسعه تحت نظارت دقیق آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA) و در چارچوبی منطقه‌ای انجام شود. ظریف تأکید دارد که این طرح می‌تواند مذاکرات هسته‌ای ایران با غرب را از تمرکز صرف بر برنامه هسته‌ای ایران به گفت‌وگویی گسترده‌تر درباره همکاری‌های منطقه‌ای تغییر دهد. او استدلال می‌کند که این رویکرد، با ایجاد شفافیت و اعتماد متقابل، می‌تواند به کاهش تنش‌ها در منطقه کمک کند و در عین حال، حق ایران برای غنی‌سازی اورانیوم به منظور مقاصد صلح‌آمیز را به رسمیت بشناسد. از منظر عملیاتی، طرح مناره شامل ایجاد یک نهاد منطقه‌ای است که در آن، کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا بتوانند فناوری هسته‌ای، دانش فنی، و مواد موردنیاز برای برنامه‌های غیرنظامی را به اشتراک بگذارند. این نهاد تحت نظارت سازمان ملل و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی فعالیت خواهد کرد و هدف آن، جلوگیری از رقابت تسلیحاتی هسته‌ای، تقویت همکاری‌های علمی و صنعتی است. ظریف معتقد است که این طرح می‌تواند به‌عنوان بستری برای اعتمادسازی عمل کند و به‌ویژه، با توجه به نگرانی‌های غرب درباره برنامه هسته‌ای ایران، زمینه‌ای برای بازرسی‌های بین‌المللی و شفافیت بیشتر فراهم آورد.

طرح مناره پیشنهاد می‌دهد که کشورهای منطقه، از جمله ایران، بتوانند برنامه‌های هسته‌ای غیرنظامی خود را توسعه دهند، اما این توسعه تحت نظارت دقیق آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA) و در چارچوبی منطقه‌ای انجام شود. ظریف تأکید دارد که این طرح می‌تواند مذاکرات هسته‌ای ایران با غرب را از تمرکز صرف بر برنامه هسته‌ای ایران به گفت‌وگویی گسترده‌تر درباره همکاری‌های منطقه‌ای تغییر دهد. او استدلال می‌کند که این رویکرد، با ایجاد شفافیت و اعتماد متقابل، می‌تواند به کاهش تنش‌ها در منطقه کمک کند و در عین حال، حق ایران برای غنی‌سازی اورانیوم به منظور مقاصد صلح‌آمیز را به رسمیت بشناسد. از منظر عملیاتی، طرح مناره شامل ایجاد یک نهاد منطقه‌ای است که در آن، کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا بتوانند فناوری هسته‌ای، دانش فنی، و مواد موردنیاز برای برنامه‌های غیرنظامی را به اشتراک بگذارند. این نهاد تحت نظارت سازمان ملل و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی فعالیت خواهد کرد و هدف آن، جلوگیری از رقابت تسلیحاتی هسته‌ای، تقویت همکاری‌های علمی و صنعتی است. ظریف معتقد است که این طرح می‌تواند به‌عنوان بستری برای اعتمادسازی عمل کند و به‌ویژه، با توجه به نگرانی‌های غرب درباره برنامه هسته‌ای ایران، زمینه‌ای برای بازرسی‌های بین‌المللی و شفافیت بیشتر فراهم آورد.

طرح مناره در رسانه‌های انگلیسی‌زبان، به‌ویژه در روزنامه‌های معتبر آمریکا و اروپا، با واکنش‌های متفاوتی مواجه شده است. این واکنش‌ها را می‌توان در دو دسته کلی تقسیم‌بندی کرد: دیدگاه‌های محتاطانه اما امیدوارکننده و دیدگاه‌های بدبینانه و انتقادی. در ادامه، بازتاب این طرح در برخی از رسانه‌های برجسته بررسی می‌شود. روزنامه گاردین، که مقاله اصلی ظریف را منتشر کرد، طرح مناره را به‌عنوان ابتکاری مثبت اما بلندپروازانه معرفی کرده است. این روزنامه در مقاله‌ای جداگانه به قلم سایمون تیسدال، مفسر امور خارجی، به بررسی پیامدهای این طرح پرداخته و آن را به‌عنوان فرصتی برای کاهش تنش‌ها در منطقه توصیف کرده است. سایمون تیسدال استدلال می‌کند که اگر غرب و اسرائیل واقعا به دنبال جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای هستند، باید از این طرح حمایت کنند، زیرا می‌تواند زمینه‌ای برای اعتمادسازی و همکاری منطقه‌ای فراهم کند. او تأکید دارد که حملات نظامی اخیر آمریکا و اسرائیل به

بازتاب طرح مناره در رسانه‌های انگلیسی‌زبان

طرح مناره در رسانه‌های انگلیسی‌زبان، به‌ویژه در روزنامه‌های معتبر آمریکا و اروپا، با واکنش‌های متفاوتی مواجه شده است. این واکنش‌ها را می‌توان در دو دسته کلی تقسیم‌بندی کرد: دیدگاه‌های محتاطانه اما امیدوارکننده و دیدگاه‌های بدبینانه و انتقادی. در ادامه، بازتاب این طرح در برخی از رسانه‌های برجسته بررسی می‌شود. روزنامه گاردین، که مقاله اصلی ظریف را منتشر کرد، طرح مناره را به‌عنوان ابتکاری مثبت اما بلندپروازانه معرفی کرده است. این روزنامه در مقاله‌ای جداگانه به قلم سایمون تیسدال، مفسر امور خارجی، به بررسی پیامدهای این طرح پرداخته و آن را به‌عنوان فرصتی برای کاهش تنش‌ها در منطقه توصیف کرده است. سایمون تیسدال استدلال می‌کند که اگر غرب و اسرائیل واقعا به دنبال جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای هستند، باید از این طرح حمایت کنند، زیرا می‌تواند زمینه‌ای برای اعتمادسازی و همکاری منطقه‌ای فراهم کند. او تأکید دارد که حملات نظامی اخیر آمریکا و اسرائیل به

طرح مناره در رسانه‌های انگلیسی‌زبان، به‌ویژه در روزنامه‌های معتبر آمریکا و اروپا، با واکنش‌های متفاوتی مواجه شده است. این واکنش‌ها را می‌توان در دو دسته کلی تقسیم‌بندی کرد: دیدگاه‌های محتاطانه اما امیدوارکننده و دیدگاه‌های بدبینانه و انتقادی. در ادامه، بازتاب این طرح در برخی از رسانه‌های برجسته بررسی می‌شود. روزنامه گاردین، که مقاله اصلی ظریف را منتشر کرد، طرح مناره را به‌عنوان ابتکاری مثبت اما بلندپروازانه معرفی کرده است. این روزنامه در مقاله‌ای جداگانه به قلم سایمون تیسدال، مفسر امور خارجی، به بررسی پیامدهای این طرح پرداخته و آن را به‌عنوان فرصتی برای کاهش تنش‌ها در منطقه توصیف کرده است. سایمون تیسدال استدلال می‌کند که اگر غرب و اسرائیل واقعا به دنبال جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای هستند، باید از این طرح حمایت کنند، زیرا می‌تواند زمینه‌ای برای اعتمادسازی و همکاری منطقه‌ای فراهم کند. او تأکید دارد که حملات نظامی اخیر آمریکا و اسرائیل به

سازنده تبدیل کند. از منظر نظری، این طرح را می‌توان در چارچوب تئوری دیپلماسی اعتمادسازی (Confidence-Building Diplomacy) تحلیل کرد، که بر ایجاد شفافیت و همکاری متقابل برای پیشنهاد یک مجمع منطقه‌ای تحت نظارت سازمان ملل، به دنبال ایجاد فضایی است که در آن، ایران بتواند برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز خود را در چارچوبی بین‌المللی و با مشارکت کشورهای منطقه پیش ببرد. از منظر عملی نیز، طرح مناره می‌تواند به حل بحران هسته‌ای ایران با غرب از چند جهت کمک کند. نخست، این طرح با تأکید بر نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، نگرانی‌های غرب درباره احتمال نظامی‌سازی برنامه هسته‌ای ایران را کاهش می‌دهد. دوم، با ایجاد بستری برای همکاری منطقه‌ای، این طرح می‌تواند کشورهای عربی و حتی اسرائیل را به گفت‌وگو درباره مسائل هسته‌ای ترغیب کند، که این امر می‌تواند به کاهش تنش‌های منطقه‌ای منجر شود. سوم، طرح مناره می‌تواند به‌عنوان اهرمی برای مذاکرات با اروپا عمل کند، به‌ویژه در شرایطی که ایران از مذاکره مستقیم با آمریکا خودداری کرده و با کشورهای اروپایی (بریتانیا، فرانسه، و آلمان) در حال گفت‌وگو است.

پالاش‌های متعددی پیش روی این طرح وجود دارد. بی‌اعتمادی متقابل بین ایران و غرب، به‌ویژه پس از حملات نظامی اخیر آمریکا و اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران، مانع اصلی اجرای این طرح است. علاوه بر این، مخالفت‌های داخلی در ایران، به‌ویژه از سوی جریان‌های اصولگرا که طرح را خوش‌بینانه و مغایر با استقلال ملی می‌دانند، می‌تواند مانع از اجماع داخلی برای پیشبرد این ابتکار شود. همچنین، عدم همراهی کشورهای منطقه، به‌ویژه اسرائیل، که دارای زرادخانه هسته‌ای اعلام‌نشده است، اجرای طرح را دشوار می‌کند. از منظر تئوری واقع‌گرای (Realism) در روابط بین‌الملل، که بر منافع ملی و قدرت تأکید دارد، طرح مناره می‌تواند به‌عنوان تلاشی برای افزایش قدرت چانه‌زنی ایران در مذاکرات هسته‌ای دیده شود. ایران با این طرح، به دنبال به رسمیت شناختن حق خود برای غنی‌سازی اورانیوم و کاهش فشارهای بین‌المللی است. با این حال، این طرح فرصتی برای ایجاد نهادهای منطقه‌ای و تقویت دیپلماسی چندجانبه است.

چشم انداز موفقیت طرح «مناره»

طرح مناره محمدجواد ظریف، تلاشی برای بازتعریف گفت‌وگوهای هسته‌ای در خاورمیانه است که با هدف ایجاد همکاری‌های صلح‌آمیز هسته‌ای و حرکت به سوی منطقه‌ای عاری از سلاح‌های هسته‌ای ارائه شده است. این طرح، با پیشنهاد تأسیس یک مجمع منطقه‌ای تحت نظارت سازمان ملل، می‌تواند به کاهش تنش‌ها و اعتمادسازی بین ایران و غرب کمک کند. بازتاب این طرح در رسانه‌های انگلیسی‌زبان، از حمایت محتاطانه گاردین و بی‌بی‌سی تا بدبینی‌های موجود در رسانه‌های آمریکایی، نشان‌دهنده پیچیدگی‌های سیاسی این ابتکار است. در داخل ایران، رسانه‌های اصلاح‌طلب از این طرح حمایت کرده‌اند، اما اصولگرایان آن را خوش‌بینانه و حتی مغایر با استقلال ملی می‌دانند. با این حال، طرح مناره، با ایجاد بستری برای گفت‌وگوهای منطقه‌ای و کاهش تمرکز بر برنامه هسته‌ای ایران، می‌تواند به‌عنوان گامی به سوی حل بحران هسته‌ای عمل کند، مشروط بر اینکه با حمایت بین‌المللی و اجماع داخلی همراه شود.



سردبیر خود، نوشت: «ظریف بار دیگر با خوش‌بینی به غرب، در پی ارائه امتیازاتی است که ممکن است استقلال هسته‌ای ایران را به خطر بیندازد.» کیهان تأکید کرد که تاریخ مذاکرات هسته‌ای، به‌ویژه تجربه برجام، نشان‌دهنده غیرقابل‌اعتماد بودن غرب است.

خبرگزاری فارس نیز در تحلیلی (۱۳ مرداد ۱۴۰۴) طرح مناره را به‌عنوان تلاشی برای جلب نظر غرب و انحراف از برنامه هسته‌ای مستقل ایران نقد کرد. فارس به نقل از یک تحلیلگر سیاسی نوشت: «این طرح، در بهترین حالت، یک ایده آرمان‌گرایانه است که در عمل، به دلیل بی‌اعتمادی کشورهای منطقه و فشارهای آمریکا و اسرائیل، اجرایی نخواهد شد.» این رسانه معتقد است که ظریف با این طرح، به دنبال بازسازی وجهه خود در داخل و خارج از کشور است.

نگرانی از تضعیف استقلال ملی

برخی رسانه‌ها، مانند روزنامه جوان، نگرانی‌هایی درباره تأثیر طرح مناره بر استقلال ملی ایران مطرح کرده‌اند. جوان در مقاله‌ای (۱۴ مرداد ۱۴۰۴) استدلال کرد که همکاری منطقه‌ای تحت نظارت سازمان ملل ممکن است به معنای پذیرش نظارت‌های سختگیرانه‌تر بر برنامه هسته‌ای ایران باشد، که این امر می‌تواند استقلال علمی و فنی ایران را محدود کند. جوان همچنین به تجربه برجام اشاره کرد و هشدار داد که طرح‌هایی مانند مناره ممکن است به کاهش توان بازدارندگی ایران منجر شود.

نقد به‌عنوان تاکتیک دیپلماتیک

برخی رسانه‌های میانه‌رو، مانند خبرگزاری ایسنا، طرح مناره را به‌عنوان تاکتیکی دیپلماتیک برای کاهش فشارهای بین‌المللی ارزیابی کرده‌اند. ایسنا در گزارشی (۱۵ مرداد ۱۴۰۴) نوشت که این طرح، بیش از آنکه راه‌حلی عملی باشد، تلاشی برای تغییر فضای مذاکرات و جلب حمایت کشورهای اروپایی است. این خبرگزاری به نقل از یک دیپلمات ایرانی نوشت: «ظریف با این طرح، به دنبال ایجاد اهرمی برای مذاکرات با اروپا و کاهش فشارهای ناشی از قطعنامه اخیر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است.» ایسنا تأکید کرد که این طرح، در شرایط کنونی، بیشتر یک ابزار دیپلماتیک است تا یک برنامه عملیاتی.

طرح «مناره» و حل بحران هسته‌ای ایران با غرب

طرح مناره محمدجواد ظریف، در بستر تاریخی و سیاسی کنونی، می‌تواند به‌عنوان ابتکاری خلاقانه برای تغییر گفت‌وگوهای مذاکرات هسته‌ای ایران با غرب تلقی شود. این طرح، با تغییر تمرکز از برنامه هسته‌ای ایران به همکاری‌های منطقه‌ای، تلاش می‌کند تا مذاکرات را از حالت تقابلی به گفت‌وگویی

نگرانی از نیت واقعی ایران و امکان سوءاستفاده از این طرح برای پیشبرد برنامه هسته‌ای است.

نقد‌های رسانه‌های داخلی ایران به طرح مناره

رسانه‌های معتبر داخلی ایران، از جمله روزنامه‌های نزدیک به جریان‌های مختلف سیاسی و خبرگزاری‌های رسمی، واکنش‌های متنوعی به طرح مناره نشان داده‌اند. این واکنش‌ها را می‌توان در چهار دسته اصلی دسته‌بندی کرد: حمایت مشروط، انتقاد از خوش‌بینی بیش‌ازحد، نگرانی از تضعیف استقلال ملی، و نقد به‌عنوان تاکتیک دیپلماتیک. در ادامه، این نقدها با استناد به منابع معتبر بررسی می‌شوند.

حمایت مشروط از طرح مناره

برخی رسانه‌های اصلاح‌طلب، مانند روزنامه شرق، از طرح مناره به‌عنوان ابتکاری مثبت برای کاهش تنش‌ها حمایت کرده‌اند. شرق در مقاله‌ای تحلیلی (۱۰ مرداد ۱۴۰۴) استدلال کرد که طرح ظریف می‌تواند به‌عنوان گامی برای اعتمادسازی با غرب عمل کند، به‌ویژه در شرایطی که مذاکرات هسته‌ای با بن‌بست مواجه شده است. این روزنامه تأکید کرد که همکاری منطقه‌ای تحت نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌تواند به کاهش فشارهای بین‌المللی کمک کند و در عین حال، حق ایران برای توسعه برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز را تضمین نماید. با این حال، شرق هشدار داد که موفقیت این طرح به پذیرش آن از سوی کشورهای منطقه، به‌ویژه اسرائیل و کشورهای عربی، بستگی دارد که با توجه به تنش‌های موجود، بعید به نظر می‌رسد.

خبرگزاری ایرنا رسانه رسمی دولت، نیز در گزارشی (۱۲ مرداد ۱۴۰۴) به حمایت مشروط از این طرح پرداخت. ایرنا طرح مناره را در راستای سیاست‌های دولت مسعود پزشکیان برای کاهش تنش‌های منطقه‌ای دانست و تأکید کرد که این طرح می‌تواند به‌عنوان جایگزینی برای مذاکرات مستقیم با آمریکا عمل کند. با این حال، ایرنا به نقل از کارشناسان دیپلماتیک هشدار داد که بدون تضمین‌های محکم از سوی غرب، این طرح ممکن است به ابزاری برای فشار بیشتر بر ایران تبدیل شود.

انتقاد از خوش‌بینی بیش‌ازحد

رسانه‌های اصولگرا، مانند روزنامه کیهان، با دیده تردید به طرح مناره نگریسته و آن را نشانه‌ای از خوش‌بینی بیش‌ازحد ظریف به غرب توصیف کرده‌اند. کیهان در سرمقاله‌ای (۱۱ مرداد ۱۴۰۴) استدلال کرد که پیشنهاد همکاری هسته‌ای منطقه‌ای، در شرایطی که غرب و اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران حمله کرده‌اند، غیرواقع‌بینانه است. این روزنامه به نقل از حسین شریعتمداری،

تأسیسات هسته‌ای ایران، نه تنها برنامه هسته‌ای این کشور را متوقف نکرده، بلکه به تقویت موضع تندروها در تهران منجر شده است. تیسدال طرح مناره را فرصتی برای تغییر مسیر از تقابل به دیپلماسی می‌داند. همچنین بی‌بی‌سی در گزارشی درباره حملات اخیر به تأسیسات هسته‌ای ایران، به‌طور غیرمستقیم به طرح مناره اشاره کرده و آن را در چارچوب تلاش‌های دیپلماتیک ایران برای کاهش فشارهای بین‌المللی ارزیابی کرده است. این رسانه، با استناد به گزارش‌های اطلاعاتی، اعلام کرد که حملات آمریکا و اسرائیل نوانسته برنامه هسته‌ای ایران را متوقف کند و پیشنهاد ظریف می‌تواند به‌عنوان راه‌حلی برای بازگرداندن مذاکرات به مسیر دیپلماتیک مطرح شود. با این حال، بی‌بی‌سی به نقل از مقامات آمریکایی، این طرح را به‌عنوان تلاشی برای منحرف کردن توجه از برنامه هسته‌ای ایران تفسیر کرده است.

نیویورک تایمز نیز، یکی از روزنامه‌های برجسته آمریکا، به‌طور مستقیم به طرح مناره نپرداخته، اما در مقالات اخیر خود درباره مذاکرات هسته‌ای ایران، به مواضع ظریف در گذشته اشاره کرده و او را به‌عنوان چهره‌ای کلیدی در دیپلماسی هسته‌ای ایران معرفی کرده است. این روزنامه در سال ۲۰۱۷، در گفت‌وگویی با ظریف، به دیدگاه او درباره لزوم مذاکره برابر و متقابل اشاره کرده بود که شباهت‌هایی با منطق طرح مناره دارد. نیویورک تایمز به‌طور کلی مواضع محتاطانه‌ای نسبت به ابتکارات ایران دارد و اغلب آن‌ها را در چارچوب تلاش برای کاهش فشار تحریم‌ها تفسیر می‌کند.

فایننشال تایمز، دیگر روزنامه معتبر اروپایی، در تحلیل‌های خود درباره وضعیت کنونی مذاکرات هسته‌ای، به طرح مناره به‌عنوان پیشنهادی اشاره کرده که می‌تواند مذاکرات را از بن‌بست خارج کند. این روزنامه به نقل از دیپلمات‌های اروپایی تأکید کرده که طرح ظریف، با وجود چالش‌های اجرایی، می‌تواند زمینه‌ای برای گفت‌وگوهای گسترده‌تر با حضور کشورهای منطقه فراهم کند. با این حال، فایننشال تایمز به موانع سیاسی، از جمله بی‌اعتمادی متقابل بین ایران و غرب، به‌عنوان مانعی برای عملی شدن این طرح اشاره کرده است.

به‌طور کلی، رسانه‌های انگلیسی‌زبان، به‌ویژه گاردین و بی‌بی‌سی، طرح مناره را به‌عنوان ابتکاری مثبت اما چالش‌برانگیز ارزیابی کرده‌اند. آن‌ها این طرح را در چارچوب تلاش‌های ایران برای بازسازی وجهه بین‌المللی خود و کاهش فشارهای ناشی از تحریم‌ها و حملات نظامی اخیر می‌بینند. با این حال، بدبینی‌های موجود، به‌ویژه در رسانه‌های آمریکایی، نشان‌دهنده

چرا اتباع غیرمجاز نرفته در فکر بازگشت اند؟



ندا خسرو شاهی

به نظر می‌رسد اتباع خارجی غیرمجازی که حاضر به خوداظهاری و انجام فعالیت قانونی در کشور نیستند یا خود را از نظر پنهانی می‌کنند، با اهداف و مقاصد دیگری در کشور مانده‌اند در حالی که اگر درصدد کار و فعالیت قانونی هستند، می‌توانند با خوداظهاری و گرفتن روادید کار در کشور به فعالیت ادامه دهند.

به گزارش ایسنا، امروزه در تمام کشورها موضوع جذب و به کارگیری نیروی کار خارجی وجود دارد و کشور ما نیز از آن مستثنی نیست، منتهی به جهت تعادل عرضه و تقاضا در بازار کار، جلوگیری از اشغال فرصت‌های شغلی توسط اتباع خارجی و همچنین ملاحظات امنیتی و پیامدهای اجتماعی این امر باید تحت کنترل و نظارت کامل باشد تا در این فرایند به جامعه خصوصا کارگران و نیروهای آماده به کار در کشور آسیب وارد نشود.

در حال حاضر برخی مشاغل در کشور مانند کار در مرغداری‌ها، گاوآردی‌ها، دبغی و یا کندن چاه و قنوت هستند که نیروی کار داخلی ممکن است چندان تمایلی به کار در آنها نداشته باشد که البته عدم پرداخت حقوق و مزایا در این زمینه تاثیرگذار بوده است؛ اما در عوض نیروی کار خارجی کار در آنها را می‌پذیرد و همین مساله باعث شده در سالهای اخیر برخی کارفرمایان به بهانه فرار از پرداخت حقوق و دستمزد واقعی و واریز حق بیمه به جای استفاده از نیروی کار ایرانی، از اتباع خارجی غیرمجاز و ارزان استفاده کنند.

سیدمالک حسینی - معاون توسعه کارآفرینی و اشتغال وزارت کار در این باره می‌گوید: در همه جای دنیا نیروی کار خارجی بخشی از چرخه تولید است و حذف آنها می‌تواند به تولید آسیب بزند با این حال اگر نیروی کار خارجی از مسیر قانونی و صحیح وارد شود و ورودش به بازار کار ایران آسیب نزند، اجازه ورود می‌دهیم.

به گفته وی در حال حاضر بخشی از کشاورزی ایران در نقاطی که منحصر به اقلیم ایران است در اختیار حضور پرتنگ اتباع خارجی است و در حوزه شیلات و ماهیگیری نیز بازار کار تحت تاثیر قرار گرفته است.

معاون اشتغال وزیر کار با تایید میزبانی از ۵ میلیون نفر افغانستانی در بازار کار به طور غیررسمی می‌گوید: تا پایان خرداد ۱۴۰۴ تنها ۴۳۳ هزار و ۴۹۱ نفر نیروی کار خارجی شناسنامه‌دار در

ایران فعالیت می‌کنند و نیروی کار متخصص خارجی که به شکل کارفرمایی وارد می‌شود، کمتر از ۱۰ هزار نفر است و نزدیک به ۴۲۷ هزار نفر از نیروی کار خارجی شاغل در ایران از اتباع افغانستان هستند. این آمار خود گویای آن است که در طول سال‌های اخیر چه میزان نیروی کار خارجی و کارفرمای خارجی در کشور حضور داشته و به شکل قانونی و هدفمند فعالیت کرده است.

بیشتر سیمه گلپور - رئیس کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران - با هشدار نسبت به استفاده کارفرمایان از نیروی کار خارجی در بسیاری از صنایع و صنوف گفته بود: در حال حاضر در بسیاری از حرف و صنایع، صرف تا صد کار در دست اتباع خارجی است و به نوعی به آنها وابسته هستیم اما اگر این رویه ادامه یابد به ضرر جامعه به ویژه کارگران است. چنانچه طی هفته‌های اخیر همزمان با موج بازگشت اتباع غیرمجاز به کشور برخی از صنوف از این طرح استقبال کردند چرا که حضور آنها در برخی بخش‌ها فضای بازار کار کشور را تحت تاثیر قرار داده و مانع جذب و به کارگیری نیروی کار ایرانی شده بود؛ به نحوی که نایب رئیس اتحادیه سرانجام با اشاره به حضور گسترده کارگران افغان در صنف کیف و کفش گفته بود: در صنف کیف و کفش هیچ کارگر ایرانی وجود ندارد و تمامی کارگران و اتباع خارجی هستند که به دلیل دستمزد پایین جای کارگران ایرانی را گرفته‌اند.

به اعتقاد کارشناسان، اشتغال اتباع خارجی در ایران نیازمند رعایت شرایط مختلفی است که می‌تواند بر توانایی این افراد برای ورود در بازار کار تاثیرگذار باشد، از این رو کارفرمایان و اتباع خارجی باید به این شرایط توجه ویژه داشته باشند تا از بروز مشکلات قانونی و اجتماعی جلوگیری کنند.

بهزاد سلام دلیری - مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان تهران - اخیرا با اشاره به سیاست‌های استخدامی در کشور گفته است: استخدام اتباع غیرمجاز ممنوع است؛ اما جذب نیروی کار خارجی برای برخی از مشاغل در صورت دارا بودن مجوزهای قانونی بلامانع خواهد بود.

پیشتر همزمان با گسترش موج شناسایی اتباع غیرمجاز و بازگرداندن آنها به کشور خود، ضرورت ایجاد اطلس اشتغال اتباع خارجی در نشست مشترک میان مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان تهران و سرپرست اداره کل امور اتباع و مهاجرین خارجی استانداری تهران مورد تاکید قرار گرفته بود.

بی‌تردید در بحث خروج اتباع غیرمجاز از کشور بحث اخراج مطرح نیست بلکه بازگشت همراه با تکرم کار، احترام آنها به سرزمین مادریشان است. بازگشت اتباع غیرمجاز به کشورهايشان، طی سالهای اخیر به مهم‌ترین مطالبه مردمی تبدیل شده است.

طبق آخرین گزارش‌ها، بیش از ۹۸۵ هزار تبعه غیرمجاز از ابتدای سال جاری از مرزهای دوغارون و میلک از کشور خارج شده‌اند. همچنین حدود یک میلیون و ۱۲۰ هزار تبعه غیرمجاز در سال گذشته به کشور خود بازگردانده شده‌اند. این روند ادامه دارد و وزارت کشور اعلام کرده که زمینه خروج اتباع را از مرزهای زمینی فراهم می‌کند. البته بسیاری از این افراد به صورت خودجوش و داوطلبانه پس از ساماندهی و انجام مراحل قانونی به کشورشان باز می‌گردند، با این حال برخی از اتباع غیرمجاز نیز هنوز برای بازگشت اقدام نکرده‌اند و باید هرچه سریع‌تر مراحل قانونی را برای بازگشت خود انجام دهند.

به گفته مسئولان، سازمان‌های بین‌المللی در زمینه کمک‌های بشردوستانه و اجرای طرح بازگشت اتباع غیرمجاز هیچ‌گونه کمکی به ایران نکرده‌اند، با این حال دولت و ملت ایران در طول بیش از چهار دهه گذشته میزبان اتباع کشورهای همسایه بوده‌اند.

طبق وعده مسئولان تا نیمه اول سال مقرر شده ۲ میلیون نفر از اتباع خارجی تعیین تکلیف شوند و هدفگذاری صورت گرفته رسیدن به رقم ۳ میلیون مهاجر مجاز است.

اگر چه بازگرداندن اتباع غیر مجاز به مذاق برخی سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی نیامده و از خروج آنها به شدت اظهار نگرانی کرده‌اند اما باید یادآور شد که در خصوص حضور اتباع چه مجاز چه غیر مجاز این جمهوری اسلامی ایران است که تصمیم نهایی را گرفته و سیاستگذاری لازم را اتخاذ خواهد کرد.

به گفته کارشناسان، برخی کارفرمایان به دلیل عدم پرداخت حق بیمه به سازمان تامین اجتماعی و به بهانه فرار از پرداخت حقوق قانونی به کارگر ایرانی از اتباع غیرمجاز استفاده می‌کنند و همین امر باعث شده بازار کار ایران به طور ناعادلانه در قبضه اتباع غیرمجاز قرار گیرد.

پیشتر رئیس کانون انبوه‌سازان تهران گفته بود که بیش از ۵۰ درصد کارگران ساختمانی در تهران از اتباع خارجی بودند و پس از جنگ تحمیلی تصمیم گرفته شد که از کشور خارج

شوند و از آنجا که صنعت ساختمان برای رشته‌هایی مثل کارگر ساختمانی، آرماتوربند، سیمان کار و سنگ کار، کارگر خارجی به کار گرفته می‌شد حالا با کمبود کارگر در این رشته‌ها مواجه هستیم. یکی از اعضای شورای شهر تهران نیز اخیرا از نبود نیروی پاکبان در شهر انتقاد کرده و گفته بود: به دلیل بازگشت اتباع به کشورشان با مشکل کاهش شدید نیروی پاکبان مواجه شده‌ایم و ۶۰ درصد نیروی پیمانکاران در این زمینه کاهش یافته است اما نکته مهم و سوال اساسی این است که چرا تاکنون از نیروی کار غیرمجاز در این بخش‌ها استفاده می‌شده و از فعالیت جوانان آماده به کار و نیروی کار ایرانی جلوگیری شده است؟

فتح الله بیات - کارشناس حوزه کار و گفت‌وگو با ایسنا، در این باره معتقد است: عملکرد برخی سازمان‌ها و دستگاه‌ها در به کارگیری اتباع غیر مجاز باعث شده تا فضایی برای حضور نیروی کار ایرانی باقی نماند و این امر بیشتر به دلیل عدم پرداخت حق بیمه به سازمان تامین اجتماعی و به بهانه فرار از پرداخت مطالبات و حقوق قانونی به کارگر ایرانی صورت می‌گرفته و موجب شده تا امروز بازار کار ایران به طور ناعادلانه و تحت سیاستگذاری نامناسب و غیراصولی عملا در قبضه اتباع غیرمجاز قرار گیرد در حالی که اگر به کارگر ایرانی دستمزد واقعی داده شود با جان و دل انجام آن کار را می‌پذیرد.

به گفته وی در شرایط موجود با توجه به مجموعه تلاش‌ها و اقدامات صورت گرفته از سوی وزارت کشور و دستگاه‌های مربوطه در خروج هرچه سریع‌تر اتباع غیرمجاز نباید مانع تداوم اجرای این طرح شد و تلاش کرد از کارگر ایرانی در بخش‌ها و رسته‌هایی که مورد نیاز است، استفاده شود.

در هفته‌های اخیر برخی گزارش‌ها از خلوت شدن مراکز رسیدگی به امور اتباع خبر داده و اعلام کرده‌اند که بعد از مراجعات داوطلبانه و اجرای فاز جمع‌آوری اتباع غیرمجاز جمعیت زیادی از اتباع غیرمجاز به امید موقتی بودن طرح خود را از انتظار پنهان کرده‌اند؛ چنانچه به گفته روابط عمومی مرکز امور اتباع و مهاجران خارجی وزارت کشور در یک روز ۲۹ هزار نفر خروج از کشور صورت گرفته که نقطه اوج بوده و در روز دیگر این عدد به ۱۳ هزار نفر رسیده است. آن دسته از اتباع غیرمجازی هم که شناسایی و به کشورشان بازگردانده شده‌اند هنوز از کشور خارج نشده در فکر و صف بازگشت به ایران هستند.

خبر

رئیس هیات مدیره فدراسیون آب:

ایران به مرحله واردات آب نمی‌رسد

رئیس هیات مدیره فدراسیون آب کشور گفت: نیازی به واردات آب نداریم و منابع موجود کفایت می‌کند.

به گزارش ایسنا، رضا حاج کریم امروز در نشست خبری در پاسخ به سوال ایسنا درباره احتمال واردات آب، اظهار کرد: اکنون میزان آب تجدیدپذیر کشور بیش از نیاز آبی است و بنابراین واردات آب معنا ندارد، بحران آب نداریم بلکه بحران مدیریت مصرف داریم و باید در این زمینه کار کرد.

رئیس هیات مدیره فدراسیون آب گفت: نباید درباره بحران آب سیاه نمایی کرد، زیرا بحران آب نداریم بلکه بحران در مدیریت مصرف و ساختار مدیریت آب داریم.

وی با بیان اینکه استانداردهای بین‌المللی برای به‌روزرسانی شبکه آب بدون در نظر گرفتن تورم یک سال و نیم اخیر، رقمی معادل ۸۲ هزار میلیارد تومان برآورد شده است، اظهار کرد: رقمی که اکنون با توجه به شرایط اقتصادی کشور، به بیش از ۱۱۰ هزار میلیارد تومان یا حدود ۱.۲ میلیارد دلار رسیده و دولت توان تأمین آن را ندارد.

وی با اشاره به وضعیت مصرف آب در استان تهران اظهار کرد: کل مصرف آب استان تهران یک میلیارد مترمکعب و مصرف آب شور یک میلیارد و ۵۱۲ میلیون مترمکعب برآورد می‌شود.

وی با بیان اینکه در این میان، ۳۳۱ میلیون مترمکعب آب به دلیل آلودگی و تلفات شبکه از دست می‌رود که از این میزان، تنها ۸۰ میلیون مترمکعب برداشت آب رایگان است و ۲۵۱ میلیون مترمکعب مربوط به هدررفت ناشی از فرسودگی شبکه و شکستگی است، گفت: بر اساس آمار موجود، میزان هدررفت آب در تهران بین ۱۵ تا ۲۲ درصد است. این عدد را می‌توان با برخی از طرح‌های انتقال آب مقایسه کرد که برای تأمین آب در حدود همین میزان یا حتی کمتر، هزینه‌های گزافی صرف می‌شود.

وی با بیان اینکه اگر قرار است بار دیگر بخش خصوصی وارد میدان شود، باید سرمایه‌گذاری آن‌ها تحت حفاظت و چارچوب رگولاتوری انجام شود؛ گفت: موضوعی که در ماده ۴۸ قانون برنامه هفتم توسعه نیز دولت را مکلف به تشکیل رگولاتور کرده است.

وی با بیان اینکه در صورت ایجاد این چارچوب، بخش خصوصی می‌تواند در پروژه‌های کاهش تلفات مشارکت کرده و بخشی از منابع حاصل از صرفه‌جویی آب، به عنوان بازگشت سرمایه به آن‌ها تعلق گیرد، گفت: به‌عنوان مثال، اگر بخش خصوصی موفق شود ۱۰۰ هزار مترمکعب از تلفات را کاهش دهد، می‌تواند ۲۰ یا ۴۰ هزار مترمکعب آن را به‌عنوان سهم سرمایه‌گذاری خود برداشت کند؛ مدل مالی‌ای که باید زیر نظر رگولاتور تدوین شود.

وی با بیان اینکه براساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، طول عمر متوسط پروژه‌های دولتی به ۱۷ سال رسیده است، گفت: در این شرایط، تنها گزینه موجود برای پیشبرد پروژه‌ها، مشارکت بخش خصوصی است، مشروط بر آنکه ابزارها و زیرساخت‌های لازم به طور کامل فراهم شود.

به گفته وی ماده ۲۶ این قانون که در سال ۱۳۸۹ تصویب شده، تشکیلات آب‌بران را معرفی می‌کند و مقرر شده قرارداد آب حجمی به این تشکیلات واگذار شود، اما با گذشت ۱۵ سال هنوز دو تشکیلات رسمی در این زمینه تشکیل نشده است.

وی با بیان اینکه دولت برای احیای دریاچه ارومیه طرحی با هزینه ۵ میلیارد دلار ارائه کرده است که عملا به زعم او، طرح قتل این دریاچه به شمار می‌رود، اظهار کرد: تصمیم‌گیری در خصوص یکی از مهم‌ترین ذخیره‌گاه‌ها و زیستگاه‌های کشور نباید پشت درهای بسته صورت گیرد و باید این موضوع به افکار عمومی و دانشگاه‌ها کشیده شود تا با حضور کارشناسان، طرح‌ها به دقت بررسی شود.

به گفته وی تا زمانی که ساختار حکمرانی آبی اصلاح نشود و مشارکت همه ذینفعان از جمله بخش خصوصی و کشاورزان در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری‌ها وجود نداشته باشد، هیچ یک از آمارها و اطلاعات موجود عملیاتی نخواهد شد.

به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. (م الف ۱۵) تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۴/۳۱ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۵/۱۵

مجتبی لطفی پور - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک نیشابور

۱۳/۱/۱۳۳ کی‌اکی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۵۰۹۲۸۲/۰۵۰۳۰۶۰۰۵۰۴۶۰۱۴ هیات دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک نیشابور تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای مجتبی کارینوی فرزند ماشاءاله در شش‌دانگ یک باب ساختمان به مساحت

تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۰۲۷۷/۰۵۰۳۰۶۰۰۵۰۴۶۰۱۴ هیات دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک نیشابور تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم فاطمه وصله کار فرزند رحمت اله در شش‌دانگ یکباب ساختمان به مساحت ۱۰۰/۹۴ مترمربع از پلاک شماره ۱۶۹ فرعی از ۲۳۱ اصلی واقع در بخش ۲ حوزه ثبت ملک نیشابور خریداری از ملک رسمی آقای محمد فرهنگ فرزند قنبر محرز گردیده است. لذا مراتب به منظور اطلاع عموم در روزنامه، یکی روزنامه محلی و دیگری در روزنامه کثیرالانتشار و در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را

۱۸۷/۲۵ مترمربع از پلاک شماره ۶۳ فرعی از ۵۰ اصلی واقع در بخش ۱۲ حوزه ثبت ملک نیشابور خریداری از مالک رسمی آقای قربان رضایی محرز گردیده است. لذا مراتب به منظور اطلاع عموم در دو روزنامه، یکی روزنامه محلی و دیگری در روزنامه کثیرالانتشار و در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. (م الف ۱۵) تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۴/۳۱ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۵/۱۵

مجتبی لطفی پور - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک نیشابور

